

پژوهشی درباره حدیث «السعيد سعيد في بطن امه...»

محمد محمدی ری شهری

چکیده

در حدیثی از رسول خدا ﷺ نقل شده است که نیک‌بخت در شکم مادرش نیک‌بخت بوده و بدبخت نیز وضعیتی مشابه دارد. در این مقاله، ضمن اشاره به مصادر این حدیث و اعتبار آن، به تحلیل روایت پرداخته و با بیان چهار معنا برای حدیث معنای نخست ترجیح داده شده است. کلید واژه‌ها: خوش‌بختی، بدبختی، جبر.

در مواجهه با احادیث و روایات، مراحل را باید پشت سرگذارد تا اطمینان از فهم درست حدیث حاصل گردد. این مراحل عبارت‌اند از:

۱. دستیابی به متن اصلی حدیث و روشن کردن تصحیف و تحریف احتمالی،
۲. تحلیل و تفسیر محتوا،
۳. داوری و ارزیابی نسبت به صدور متن بدون تحریف و تغییر،
۴. تحلیل محتوا و تفسیر.

براساس این قاعده، به سراغ یکی از مضامین منقول در مصادر حدیثی شیعه و اهل سنت می‌رویم و به بررسی اجمالی آن می‌پردازیم. این مضمون عبارت است از:

پیامبر خدا ﷺ: السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ.

خوش‌بخت، کسی است که در رحم مادرش خوش‌بخت شده است و بدبخت، کسی است که در رحم مادرش بدبخت شده است.

این حدیث و احادیث مرتبط با آن، با بیست مضمون مختلف، در مصادر حدیثی منقول است و هر یک از مضامین آن دارای سندهای متعددی است.^۱

منابع روایت

روایت فوق از طریق شیعه و اهل سنت، در مصادر متعددی نقل شده است که به مواردی از آنها اشاره می‌گردد:

الف. مصادر شیعی

۱. کتاب الزهد، حسین بن سعید اهوازی (ق ۳)،^۲
۲. تفسیر علی بن ابراهیم قمی (ق ۴)،^۳
۳. التوحید، شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)،^۴
۴. مجموعه ورام، ورام بن ابی فراس (م ۶۰۵ق)،^۵
۵. عوالی اللالی، ابن ابی جمهور احسایی (ق ۱۰)،^۶
۶. بحار الأنوار، علامه مجلسی (م ۱۱۰ق)،^۷

ب. مصادر اهل سنت

۱. سنن ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی (۲۷۵ق)،^۸
۲. المعجم الصغير، طبرانی (م ۳۶۰ق)،^۹
۳. المعجم الاوسط، طبرانی (م ۳۶۰ق)،^{۱۰}
۴. تفسیر التعلی، (م ۴۲۷ق)،^{۱۱}
۵. الجامع الصغير، سیوطی (م ۹۱۱ق)،^{۱۲}
۶. كنز العمال، متقی هندی (م ۹۷۵ق)،^{۱۳}
۷. فیض القدر، مناوی (م ۱۰۳۱ق)،^{۱۴}
۸. كشف الخفاء، العجلونی (م ۱۶۲ق)،^{۱۵}

پایان

۲. الزهد، ص ۱۴، ح ۲۸ از صباح بن سیابه.
۳. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۲۷ از ابی جارد، از امام باقر علیه السلام.
۴. التوحید، ص ۳۵۶.
۵. تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۹۲ از ابی صباح، از امام صادق علیه السلام.
۶. عوالی اللالی، ج ۱، ص ۳۵.
۷. بحار الأنوار، ج ۵، ص ۹، ح ۱۳.
۸. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۸، ح ۴۶ از عبد الله بن مسعود بانندی زیاد.
۹. المعجم الصغير، ج ۲، ص ۵.
۱۰. المعجم الأوسط، ج ۸، ص ۲۲۳، ح ۱۸۴۶۵ از ابی هریره.
۱۱. تفسیر التعلی، ج ۹، ص ۳۲۶.
۱۲. الجامع الصغير، ج ۲، ص ۶۸.
۱۳. كنز العمال، ج ۱، ص ۱۰۷، ح ۴۹۱.
۱۴. فیض القدر، ج ۲، ص ۲۲۴.
۱۵. كشف الخفاء، ج ۱، ص ۴۵۲.

این نقل‌های متعدد با توجه به تعدد اسناد و اعتبار پاره‌ای از آنها^{۱۶} و تصریح محدثان اهل سنت چون عراقی و ابن حجر به صحت،^{۱۷} می‌تواند موجب حصول اطمینان به صدور این مضمون شود. از سوی دیگر، با توجه ترکیب این جمله - که حکم سخن منظوم داشته و کوتاه است - احتمال نقل به معنا و یا تغییرهای مضمونی در آن معتابه نیست. به سخن دیگر، برای تصحیف و تحریف هیچ نشانه‌ای در نقل‌ها به چشم نمی‌خورد و از جهت نقل به معنا نیز طرفداران جواز، بر این عقیده‌اند که در مواردی همچون: سخن منظوم و کوتاه و نیز اذکار و اوراد، نقل به معنا صورت نمی‌گیرد و یا احتمال آن بسیار کم است.

اینک پس از بررسی اجمالی صدور و فراغت از حصول اطمینان به این متن، نوبت به بررسی محتوا و تحلیل آن می‌رسد.

بررسی و تحلیل روایت

در برخورد نخستین، از این حدیث چنین برداشت می‌شود که خوش‌بختی و بدبختی، مادرزادی‌اند و سعادت و شقاوت انسان‌ها، پیش از آن که متولد شوند، مشخص است. به سخن دیگر، هر کسی در شکم مادر سعادت‌مند باشد، زندگی او پس از تولد نیز توأم با خوش‌بختی است و اگر سرنوشت او در شکم مادر بدبخت رقم خورده باشد، پس از تولد نیز بدبخت خواهد بود.

بنابراین برداشت، این سؤال مطرح می‌شود که: آیا این حدیث، بر مجبور بودن انسان‌ها در پیمودن راه سعادت و شقاوت، دلالت ندارد؟

به سخن دیگر، این حدیث با بسیاری از آموزه‌های دینی و تعالیم قرآنی و روایی دیگر، ناسازگار است؛ پس چگونه باید آن را فهم کرد.

پیش از بیان معانی محتمل در این حدیث و انتخاب معنای راجح، به چند نکته باید توجه کرد:

۱. سخنان و کلمات یک گوینده را نمی‌توان بریده و جدا از مجموع سخنان و کلماتش فهمید. به عبارت دیگر، آنجا که سخنان یک فرد هویت واحد دارد، باید آن را در ضمن آن هویت فهم کرد و قرینه‌های متصل و منفصل کلام را بدان ضمیمه کرد.

۲. گذشته از ادله عقلی و شهودی بر اختیار انسان، آموزه‌های دینی نیز به صورت مسلم و قطعی بر اختیار آدمی دلالت دارد. اساس دعوت به خیر، عقاب و ثواب، ستایش نیکوکاران و پارسایان و ... - که در آیات فراوانی از قرآن کریم مذکور است - دلالت بر اختیار آدمی دارد؛ همچنین آیاتی از قبیل:

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»^{۱۸}.

۱۶. سند صدوق در التوحید چنین است: حدثنا الشريف أبو علي محمد بن أحمد بن محمد بن عبد الله بن الحسن بن الحسين بن علي بن الحسين بن أبي طالب عليه السلام قال: حدثنا علي بن محمد بن قتيبة النيسابوري، عن الفضل بن الشاذان، عن محمد بن أبي عمير قال: سألت موسى بن جعفر عليه السلام ... (التوحید، ص ۳۵۶).

۱۷. كشف الخفاء، ج ۱، ص ۴۵۲.

۱۸. سورة انسان، آیه ۳.

«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَىكُمْ» ۱۹.

و ...

حال با توجه به دو اصل یاد شده، معانی محتمل در این حدیث را بازگو کرده تا به تحلیل و انتخاب برسیم.

۱. آگاهی خداوند از خوش‌بختی و بدبختی انسان پیش از تولد

خداوند متعال، سرنوشت همه انسان‌ها را قبل از تولد آنها می‌داند؛ اما روشن است که علم ازلی خداوند، علت صدور افعال انسان نیست. به سخن دیگر، خداوند متعال می‌داند که هر انسانی با اراده و انتخاب خود، چه راهی را در زندگی انتخاب می‌کند. با این فرض، انسان در انتخاب راه خوب یا بد، مجبور نیست. این تفسیر از حدیث، عیناً از امام کاظم علیه السلام روایت شده است:

الشَّقِيُّ مِنَ عِلْمِ اللَّهِ وَهُوَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَنَّهُ سَيَعْمَلُ أَعْمَالَ الْأَشْقِيَاءِ، وَالسَّعِيدُ مِنَ عِلْمِ اللَّهِ وَهُوَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَنَّهُ سَيَعْمَلُ أَعْمَالَ السُّعْدَاءِ؛^{۲۰}

بدبخت، کسی است که خداوند از همان زمانی که او در رحم مادرش است، می‌داند که او کارهای بدبختان را خواهد کرد؛ و خوش‌بخت، کسی است که خداوند از همان زمانی که او در رحم مادرش است، می‌داند که او کارهای خوش‌بختان را خواهد کرد.

به بیان روشن‌تر، اگر معنای حدیث مورد بحث، این بود که خداوند متعال عده‌ای از مردم را فطرتاً خوش‌بخت و مؤمن و عده‌ای دیگر را فطرتاً بدبخت و کافر آفریده است، انسان‌ها در پیمودن راه سعادت و شقاوت، مجبور بودند، حال آن‌که چنین نیست و آفریدگار جهان، هیچ‌کس را بدبخت و کافر نیافریده و همه را فطرتاً موحد آفریده است، چنان‌که در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ خَلْقَهُ جَمِيعاً مُسْلِمِينَ، أَمَرَهُمْ وَنَهَاَهُمْ، وَالْكَفْرُ اسْمٌ يَلْحَقُ الْفِعْلَ حِينَ يَفْعَلُهُ الْعَبْدُ، وَلَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ الْعَبْدَ حِينَ خَلَقَهُ كَافِراً، إِنَّهُ إِذَا كَفَرَ مِنْ بَعْدِ أَنْ بَلَغَ وَقْتاً لَزِمَتْهُ الْحُجَّةُ مِنَ اللَّهِ، فَعَرَضَ عَلَيْهِ الْحَقُّ فَبَجَحَهُ، فَيَانْكَارِهِ الْحَقُّ صَارَ كَافِراً؛^{۲۱}

خداوند، آفریده‌های خود را آفرید و به آنها دستور داد و نهیشان کرد. و کفر، آن زمان وصف فعل قرار می‌گیرد که بنده آن را به انجام می‌رساند (به عبارت دیگر، اتصاف به کفر، پس از وقوع انکار در خارج است و ظرف اتصاف آن نفس و درون کافر است). خداوند وقتی بنده را آفرید، او را کافر نیافرید، همانا بنده، زمانی کافر گشت که حجت از سوی خدا به او رسید و بر او عرضه شد؛ ولی او آن را انکار نمود. پس به خاطر انکار کردن حق، کافر گردید.

۲. تقدیر خوش‌بختی برای مؤمن و بدبختی برای کافر

معنای دیگری که برای حدیث می‌توان نمود، این است که خداوند متعال برای فرزندان که می‌داند در

۱۹. سوره حجرات، آیه ۱۳.

۲۰. التوحید، ص ۳۵۶، ج ۳؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۵۷، ح ۱۰.

۲۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۴۱؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۸.

آینده راه درست زندگی را انتخاب می‌کنند و ایمان می‌آورند، در شکم مادرهایشان خوش‌بختی مقدر کرده و برای فرزندان‌شان که می‌داند در آینده راه نادرست را انتخاب می‌کنند و کفر می‌ورزند، در شکم مادرهایشان بدبختی مقدر نموده است؛ چنان‌که در حدیثی، از پیامبر خدا آمده است که:

سَبَقَ الْعِلْمُ وَجَفَّ الْقَلَمُ، وَمَضَى الْقَدَرُ بِتَحْقِيقِ الْكِتَابِ وَتَصْدِيقِ الرَّسُولِ، وَبِالسَّعَادَةِ مِنَ اللَّهِ وَكَذَلِكَ لِمَنْ آمَنَ وَأَتَّقَى، وَبِالشَّقَاءِ لِمَنْ كَذَّبَ وَكَفَرَ. وَبِوَلَايَةِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِرَاءَتِهِ مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛^{۲۲}

علم (خدا)، پیشی گرفت و قلم، رقم زد و قدر، قطعی شد در به حقیقت پیوستن کتاب [آسمانی] و تصدیق پیامبران و سعادت‌مندی هر مؤمن و تقوایپیشه‌ای، بدبختی هر تکذیب‌کننده و کافر و نیز ولایت خداوند بر مؤمنان و بیزاریش از مشرکان.

بنابراین، سعادت و شقاوت، گرچه به وسیله خداوند تعالی تقدیر می‌شوند، اما بر اساس ایمان و تقوا، و کفر و انکار - که عمل اختیاری انسان‌اند - برای انسان، رقم می‌خورند.

۳. تأثیر انتخاب انسان در عالم ذر،^{۲۳} بر خوش‌بختی و بدبختی در دنیا

سومین معنای ارائه شده برای حدیث مورد بحث، آن است که بر اساس شماری از احادیث، انتخاب انسان در عالم ذر - که پیش از عالم کنونی بوده - در تکوین سرشت او مؤثر بوده است، بدین معنا که افرادی که در آن عالم، راه درست را انتخاب کرده‌اند، سرشتشان در این جهان نیز تمایل به انتخاب راه درست دارد که موجب خوش‌بختی آنها می‌شود و کسانی که راه نادرست را انتخاب کرده‌اند، طبعاً مایل به کارهای ناشایست هستند که موجب بدبختی آنها می‌شود، هر چند آنها که تمایل به بدی دارند، می‌توانند راه درست را انتخاب کنند و آنها که تمایل به نیکی دارند، می‌توانند راه نادرست را انتخاب نمایند و در هر دو صورت، اجباری در کار نیست.

۴. تأثیر اقتضایی رفتار مادر بر فرزند

یکی دیگر از احتمالات این حدیث، این می‌تواند باشد که باورها و رفتار پدر و مادر از هنگام انعقاد نطفه، تا هنگام تولد، تأثیر اقتضایی دارد. این تأثیر اقتضایی به معنای مهیا بودن شرایط برای سعادت و شقاوت در زندگی پس از تولد است گرچه مانع اراده و انتخاب نیست.

شاهد این معنا گذشته از تعبیر «بطن امه» - که می‌تواند اشاره به نقش مادر در سرنوشت فرزند باشد - برخی روایت‌های دیگر است که از تفسیر سخن می‌گوید؛ مانند این حدیث:

امام علی علیه السلام: كُنَّا فِي جَنَازَةٍ فِي بَيْعِ الرَّقَدِ، فَأَتَانَا النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله فَقَعَدَ وَقَعَدْنَا حَوْلَهُ وَمَعَهُ مِخْصَرَةٌ فَكَتَبَ فَجَعَلَ يَنْكُثُ بِمِخْصَرَتِهِ، ثُمَّ قَالَ: مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ - مَا مِنْ نَفْسٍ مَنْفُوسَةٍ - إِلَّا كُتِبَ مَكَانُهَا مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَإِلَّا قَدْ كُتِبَ شَقِيَّةٌ أَوْ سَعِيدَةٌ.

۲۲. التوحيد، ص ۲۲۳، ح ۱۳؛ بحارالانوار، ج ۵، ص ۹۳.

۲۳. جهان پیش از آفرینش انسان.

فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفَلَا تَنْكُلُ عَلَيَّ كِتَابِنَا وَتَدْعُ الْعَمَلَ، فَمَنْ كَانَ مِنَّا مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ فَتَصِيصِرْ إِلَى عَمَلِ أَهْلِ السَّعَادَةِ، وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَّا مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ فَتَصِيصِرْ إِلَى عَمَلِ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ.

قَالَ: أَمَّا أَهْلُ السَّعَادَةِ فَيَصِيرُونَ لِعَمَلِ السَّعَادَةِ، وَأَمَّا أَهْلُ الشَّقَاوَةِ فَيَصِيرُونَ لِعَمَلِ الشَّقَاوَةِ، ثُمَّ قَرَأَ: «فَأَمَّا مَنْ أُعْطِيَ وَاتَّقَى * وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى» ۲۴؛ ۲۵

در بقیع غرقده^{۲۴} کنار جنازه‌ای بودیم که پیامبر ﷺ، در حالی که چوب‌دستی‌ای همراه داشت، پیش ما آمد و نشست و ما نیز اطراف او نشستیم. [پیامبر ﷺ] چوب‌دستی‌اش را سر و ته کرد و شروع به زمین زدن آن نمود و سپس فرمود: «هیچ یک از شما نیست (هیچ مولودی نیست)، مگر این که مکان او در بهشت و جهنم مقرر شده است و بدبختی و خوشبختی او، از پیش، معین شده است».

مردی گفت: ای پیامبر خدا، [بدین ترتیب] آیا نباید به آنچه درباره‌ی ما تقدیر شده، تکیه کنیم و عمل را رها نماییم؟! از میان ما، آن که سعادت‌مند است، به سمت عمل سعادت‌مندان خواهد رفت و از میان ما، آن که بدبخت است، به سمت عمل بدبختان خواهد رفت.

فرمود: «سعادت‌مندان، به عمل سعادت‌آمیز، موفق می‌شوند و بدبختان، به عمل بدبختانه». آن گاه [این آیه را] قرائت فرمود: اما آن که [حق خدا را] داد و پروا داشت و [پاداش] نیکوتر را تصدیق کرد، به زودی، راه آسانی را پیش پای او خواهیم گذاشت.

گفتنی است که بنابر این احتمال، مقصود از سعادت و شقاوت در این حدیث، خوشبختی و بدبختی نهایی نیست؛ بر خلاف احتمالات قبلی که مقصود از آنها سرنوشت نهایی انسان‌هاست.

نتیجه

به نظر می‌رسد که معنای حدیث «السعيد في بطن امه...» همان معنای نخست است که در کلام امام کاظم^ع آمده و می‌توان گفت معنای دوم نیز به همان معنا باز می‌گردد؛ ولی معنای سوم، گذشته از این که مبتنی بر عالم دژ و داشتن تفسیری روشن از آن است - که خود جای بحث‌های فراوان دارد - انطباق آن با حدیث یاد شده مشکل است. معنای چهارم نیز، در صورتی که با تکیه بر قراین یاد شده مورد قبول واقع شده، این حدیث در مقام تشویق و ترغیب والدین بر مراقبت‌های رفتاری است. به سخن دیگر، این معنا برای حدیث، بدان جایگاه تربیتی می‌بخشد.

کتابنامه

- الاحتجاج علی أهل اللجاج، ابی منصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی (م ۲۰۶ق) تحقیق:

۲۴. سوره لیل، آیه ۵-۷.

۲۵. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۴۵۸؛ ح ۱۲۹۶؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۰۳۹؛ ح ۶؛ مستدرک ابن حنبل، ج ۱، ص ۲۷۳؛ ح ۱۰۶۷؛ مستدرک ابی یحیی، ج ۱، ص ۲۹؛ ح ۵۷۸.

۲۶. قبرستان بقیع معروف در مدینه، این گورستان بدان جهت «بقیع غرقده» نامیده شده که درخت غرقده در آن بوده است.

- ابراهیم بهادری و محمد هادی به، اول، تهران: دار الأسوة، ۱۴۱۳ق.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، علامه محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (م ۱۱۱۰ق)، تحقیق ونشر: دار احیاء التراث، اول، بیروت: ۱۴۱۲ق.
- تفسیر الثعلبی، ثعلبی (م ۴۲۷ق)، تحقیق: امام ابی محمد بن عاشور، مراجعه و تدقیق: نظیر ساعدی، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۲۲ق.
- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، تصحیح: سید طیب موسوی جزائری، نجف: مطبعة النجف.
- تیبہ الخواطر و فزحة النواظر (مجموعة ورام) ورام بن ابی فراس (م ۵۰۵عق)، بیروت: دارالتعارف و دار صعب.
- التوحید، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)، تحقیق: هاشم حسینی تهرانی، اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۹۸ق.
- الجامع الصغیر فی أحادیث البشیر النذیر، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر السیوطی (م ۹۱۱ق)، بیروت: دارالفکر.
- الزهد، ابی محمد الحسین بن سعید الکوفی الأهوازی (م ۲۵۰ق)، تحقیق: غلامرضا عرفانیان، دوم، قم: حسینیان، ۱۴۰۲ق.
- سنن ابن ماجه، ابی عبدالله محمد بن یزید بن ماجه قزوینی (م ۲۷۵ق)، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، اول، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۳۹۵ق.
- صحیح البخاری، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ق)، تحقیق: مصطفی دیب البغا، چهارم، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۱۰ق.
- صحیح مسلم، ابی الحسین مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری (م ۲۶۱ق)، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، اول، قاهره: دار الحدیث، ۱۴۱۲ق.
- عوالی اللآلی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، محمد بن علی بن ابراهیم احسائی، معروف به ابن ابی جمهور (م ۹۴۰ق)، تحقیق: مجتبی عراقی، اول، قم: مطبعة سید الشهداء عليهم السلام، ۱۴۰۳ق.
- فیض القدر، مناوی، تحقیق و تصحیح: احمد عبد السلام، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق/ ۱۹۹۴م.
- كشف الخفاء ومزيل الإلباس، ابی الفداء اسماعیل بن محمد عجلونی (م ۱۱۶۲ق)، بیروت: مكتبة دار التراث.
- كنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، علاء الدین علی متقی ابن حسام الدین هندی (م ۹۷۵ق)، تصحیح: صفوة السقاء، اول، بیروت: مكتبة التراث الاسلامی، ۱۳۹۷ق.
- مسند ابی یعلی الموصلی، ابی یعلی احمد بن علی بن المثنی التمیمی الموصلی (م ۳۰۷ق)، تحقیق: ارشاد الحق الأثری، جذة: دار القبلة، چاپ اول ۱۴۰۸ق.

- مسند احمد، احمد بن محمد بن حنبل شیبانی (م ۲۴۱ق)، تحقیق: عبدالله محمد درویش، دوم، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- المعجم الأوسط، ابی القاسم سلیمان بن احمد لخمی طبرانی (م ۳۶۰ق)، تحقیق: ابومعاذ و ابراهیم حسینی، ریاض: دارالحرمین.
- المعجم الصغیر، ابی القاسم سلیمان بن احمد لخمی طبرانی (م ۳۶۰ق)، تحقیق: محمد عثمان، دوم، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی